

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۱۷ سپتمبر ۲۰۰۹

شکوه

(۶) در المان :

{خ}

وحدتی بر عالم انسان نوشت
خویشی با جمله ادیان نوشت
حُرمت و هم خدمت نوع بشر
تا که شود نخل وفا ، بارور
وای رجب ، دارو و درمان نگر
وحدتی بر عالم انسان نگر
گفت ! شکن سرحد و مرز جهان
السُّن عالم بنمایک زبان
یک وطن و مملکت و یک زمین
مرد و زنان ، زیور و زیب و نگین
وای رجب ، دارو و درمان نگر
آمده از جانب یزدان نگر
بهر تساوی نساء و رجال
خدمتی با همت علم و کمال

کفتر وحدت ، بپرد در سما
با پر و بال چو رجال و نسا
وای رجب ، دارو و درمان نگر
وحدتی بر عالم انسان نگر
بعد ، ز تعدیل معیشت نوشت
تخم محبت ، به دل و سینه کشت
گفت ! بپرهیز ، ز حمل سلاح
بهر همه باش صلاح و صلاح
وای رجب ، دارو و درمان نگر
آمده از جانب رحمان نگر
آنچه که ایجاد محبت کند
بین همه ، خلق مودت کند
بادل و با جان ، نمایش قبول
تا همه آمال تو گردد حصول
وای رجب ، اینهمه درمان نگر
خدمتی بر عالم انسان نگر
ناگه تکان خورده ز خوابش پرید
رفت ، بر آنکه ثوابش رسید
داروی مخصوص ، برایش بیداد
زان مرضی داشت ، شفایش بیداد
وای رجب ، چاره و درمان نگر
داروی هر درد ، به برهان نگر

شکوه

(٦) در المان :

{ ذ }

شکوه که با عدل و اَصالت نشست
شاخِ جهالت و ضلالت شکست
پردهٔ اوهام ، درید و درید
ریشهٔ تقلید ، بُرید و حَصید
وای رجب ، چاره و درمان نگر
داروی هر درد به برهان نگر

بقیه دارد